



The effect of climate on the life of former predator communities in Bastak region in Hormozgan province, (Case Study: Eshkaft-e Ahou)

Mojtaba Safari¹, Maryam Ravanbakhsh² & Hassan Afshari³
(40-58)

Abstract

The rock paintings of Iran are extremely significant and after five decades of research on them, nearly twenty different regions have been identified in different parts of the Iranian plateau. Each of these regions has its own unique local style. One of the most important areas is the “Eshkaft-e-Ahou” site, which has been identified for nearly two decades, but unfortunately, no research has been conducted on it. This research, using field and library methods, describes and compares the motifs of this site, and at the end, after investigating the climatic texture of the region, the authors have tried to reconstruct the life style of the creators of the paintings. This area is located in a very impassable region and in the highest area of the Gav-Bast Mountains. In order to reach the site, one must ascent a long distance with a steep slope of the mountain. Due to the characteristics of the motifs of this place and the potential for shelter, it is possible to determine that a small population of hunters have used this place. This rocky shelter is considered a very inappropriate place in contrast to today’s concepts of settlement definitions.

Keywords

Pictographs, Rock Art, Ashkaft-e Ahou, Bastak

1. Assistant Professor, Department of Archaeology & Art. Nima University of Mahmodabad, Mazandaran

2. Master's degree in Archaeology, Islamic Azad University, Tehran, Iran.

³ Ph.D. Candidate of Archeology, University of Tehran, Tehran, Iran.



تأثیر اقلیم بر زندگی جوامع شکارگر پیشین منطقه بستک در استان هرمزگان

(نمونه موردی: نقاشی‌های اشکفت آهو)

مجتبی صفری

استادیار مؤسسه آموزش عالی نیما، محمود آباد، مازندران، ایران.

مریم روانبخش

دانش آموخته کارشناسی ارشد باستان‌شناسی دانشگاه آزاد اسلامی واحد تهران مرکزی، تهران، ایران.

حسن افشاری

عضو کرسی یونسکو در مخاطرات زمین شناختی ساحلی - دانشجوی دکتری باستان‌شناسی، دانشگاه تهران، تهران، ایران.

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۲/۲۷؛ تاریخ پذیرش: ۱۴۰۱/۰۸/۱۲

رویکرد علمی - پژوهشی

چکیده:

رنگین‌نگاره‌های صخره‌ای ایران نقوش با اهمیتی می‌باشند که پس از گذشت پنج دهه از بررسی و پژوهش بر روی آنها تاکنون نزدیک به بیست محوطه گوناگون در قسمت‌های مختلف فلات ایران شناسایی شده و هر کدام از این نواحی دارای سبک محلی و منحصر به فرد خود می‌باشند. یکی از مهم‌ترین محوطه‌ها «اشکفت آهو» است که نزدیک به دو دهه از شناسایی آن می‌گذرد اما متأسفانه پژوهشی در خور توجه بر روی آن صورت نگرفته است. این پژوهش با روش‌های میدانی و کتابخانه‌ای به مستندنگاری، توصیف و مقایسه نقوش این محوطه پرداخته و در پایان پس از بررسی بافت اقلیمی منطقه سعی در بازسازی زندگی خالقان نقاشی‌های اشکفت آهو داشته است. این محوطه در منطقه‌ای بسیار صعب‌العبور و در مرتفع‌ترین نواحی کوه گاو‌بست در شهرستان بستک از استان هرمزگان واقع شده است که برای رسیدن به آن باید مسافت زیادی با شیب تند کوه به سمت بالا پیموده شود. با توجه به ویژگی‌های نقوش این محل و پتانسیل پناهگاهی آن می‌توان تشخیص داد که جمعیتی اندک از شکارچیان از این محل استفاده کرده‌اند. این پناهگاه صخره‌ای در مغایرت با مفاهیم امروزی از تعاریف سکونتگاه، محل بسیار نامناسبی قلمداد شده که شاید پس از بررسی شرایط اقلیمی و ژئومورفولوژی منطقه بتوان به دلایل استفاده پیشینیان از این پناهگاه سنگی دست یافت. به عقیده نگارندگان احتمالاً در فصل‌های خشک سال شکارچیان با اشراف به وجود چراگاه‌های غنی‌تر در نواحی مرتفع‌تر و به طمع یافتن طعمه در این ارتفاع از سطح دشت به این منطقه جذب شده‌اند.



کلیدواژه: رنگین‌نگاره، هنر صخره‌ای، اشکفت آهو، بستک.

مقدمه:

بررسی نقش اقلیم و ارتباط آن با سکونتگاه‌های انسانی نقش مهمی در بررسی‌های باستان‌شناسی دارد زیرا که اقلیم عامل مهمی در چگونگی پوشش گیاهی، جانوری و منابع آب به شمار می‌رود و در واقع آب و هوای مناطق مختلف، چشم اندازهای طبیعی این مناطق را به وجود می‌آورد که عواملی حائز اهمیت در جوامع ابتدایی و سنتی برای تهیه منابع و سکونت می‌باشند. به عبارتی دیگر انسان از آغاز پیدایش همچنان وابسته به اقلیم و محیط بوده و برای بهره‌برداری بهینه از اقلیم به پیشرفت علم و تکنولوژی دست پیدا کرده است. مهم‌ترین مثال بارز آن را می‌توان در تأثیر محیط بر پیشرفت فهم بشر در بهره‌برداری بهینه از اقلیم جنوب بین‌النهرین جستجو کرد که باعث شکل‌گیری اولین تمدن در جهان شده است (الغازه، ۱۳۹۷: ۸۹-۶۷).

سرزمین ایران جزو کمربند سرزمین‌های خشک دنیای قدیم است و این امر روابط اقلیمی این سرزمین و آب و هوای مناطق مختلف آن را تحت تأثیر زیادی قرار می‌دهد. از طرفی، وجود کوه‌های بلند تقریباً بطور کامل از ورود هوای مرطوب مدیترانه‌ای به فلات ایران جلوگیری می‌کند و در نتیجه باعث ایجاد اقلیمی خشک در بخش‌های وسیعی از آسیای مرکزی می‌شود. از سوی دیگر دیواره‌های بیرونی کوه‌ها، به نسبت مقادیر قابل توجهی بارش‌های سالانه دارند. گفته می‌شود که در ایران چهار فصل به صورت همزمان وجود دارد (مکی، ۱۳۹۶: ۲۹).

مناطق آب و هوایی متفاوت ایران، از دیرباز تعیین کننده شرایط استقرار انسان‌ها بوده است. محوطه اشکفت‌آهوی بستک هرمزگان نیز از این امر مستثنی نیست. با توجه به تعاریف امروزی از اقلیم مناسب برای سکونت، این ناحیه جزو نامناسب‌ترین محوطه‌ها بوده که برای درک درستی آن نیاز است تمامی پتانسیل اقلیمی منطقه را از نگاه یک قشر کوچک شکارگر ساکن در منطقه بستک مشاهده و جستجو کرد. در این پژوهش نگارندگان با بررسی و توصیف رنگین‌نگاره‌های محوطه اشکفت‌آهو در حد امکان سعی بر بازسازی زندگی مردمان خالق این اثر هنری دارند و همچنین به برخی پرسش‌های علمی و هنری پاسخ داده می‌شود که عبارتند از: آیا نقاشی‌های اشکفت‌آهو دارای ارزش و پیشینه تاریخی هستند؟ چه گاهنگاری نسبی را می‌توان به نقوش اشکفت‌آهو نسبت داد؟ آیا نقاشی‌های اشکفت‌آهو تصویری واقع‌گرایانه از سبک زندگی مردمان خالق این اثر را پیش رو قرار می‌دهند؟ در پاسخ نگارندگان چنین معتقدند که نقاشی‌های اشکفت‌آهو دارای ارزش تاریخی هستند اما با توجه به این که سالیانی آزمایشگاهی صورت نگرفته، نمی‌توان تاریخی مستند را به آن نسبت داد. با توجه به محل قرارگیری اشکفت‌آهو و بررسی اقلیم و ژئومورفولوژی آن می‌توان تشخیص داد که خالقان این نقوش احتمالاً جمعیت کوچکی از شکارچیان را تشکیل می‌دادند که به امید یافتن شکار در فواصل خشک‌سالی به این نواحی از منطقه بستک جذب شده‌اند. این سبک از زندگی شباهت بسیاری با نقوش ترسیم شده در محوطه اشکفت‌آهو دارد.

پیشینه بررسی هنر صخره‌ای در ایران:

پژوهش بر روی هنر صخره‌ای رنگین در ایران تا حدود زیادی نوباست که بعد از نیم قرن پس از کشف اولین نقوش رنگی در ایران هنوز کار ثبت و مستندنگاری آن تمام نشده و همچنان با گذشت زمان محوطه‌های جدیدی یافت می‌شوند. اولین بررسی در زمینه نقاشی‌های رنگی را باید به خانم کلر گاف نسبت داد. او در سال ۱۹۶۳ میلادی از نقوش میرملاس و برد سپید هومیان بازدید داشته، طرح و عکس‌هایی تهیه کرد اما تا سال ۱۹۷۰ میلادی گزارشی در این باره انتشار نداد (Goff, 1970). اولین انتشار از رنگین‌نگاره‌های فلات ایران در سال ۱۳۴۸ ۱۹۶۹ میلادی توسط حمید ایزدپناه انجام شد. او توانست نقوشی قرمز و سیاه را بر روی دیواره‌های چند غار از جمله هومیان، میرملاس و دوشه پیدا و معرفی کند (ایزدپناه، الف، ۱۳۴۸- ایزدپناه، ب، ۱۳۴۸ - ایزدپناه، ۱۳۵۰) (متأسفانه امروزه به دلیل گستردگی تخریب انسانی اکثر نقوش غار دوشه آسیب دیده و نقوش باقی مانده به دلیل قرارگیری مستقیم در معرض نور خورشید در حال نابودی هستند). در همان سال مک بورنی در محوطه‌های هومیان و میرملاس به حفاری پرداخت (بورنی، ۱۳۴۸) و سال‌ها بعد هیئتی ایرانی بلژیکی به سرپرستی مارسل اوت و لورنس ریماکل در چندین سال به بررسی در میرملاس و هومیان پرداختند (Otte et al, 2003) که در نهایت مناطق شناسایی شده در هومیان به ۱۹ محوطه رسید (Remacle et al, 2007). اخیراً با



بررسی‌های حسن‌افشاری از کوه‌دشت دو محوطه در قله سوره و یک محوطه در نوری شناسایی شده و تعداد محوطه‌های هومیان را به ۲۲ محوطه رسانده است (افشاری و باشتنی، ۱۳۹۹). بعد از هومیان می‌توان به نقاشی‌های دیواری چشمه سهراب در کرمانشاه (افشاری و طاهرآبادی، ۱۳۹۸)، آبدوزو در استان فارس (قسیمی و دیگران، ۱۳۸۸) نقوش نرگس‌لوی اولیا، زینه کانلو و باش محله در خراسان شمالی (افشاری و دیگران، ۱۴۰۰)، محوطه هلك در کازرون فارس (Vahdati Nasab et al, 2008) شمس علی و گرگ علی در کهگیلویه و بویراحمد (Hemati et al, 2015)، تیهو و تداوان (Fazel and Alibaigi, 2012) پیرگوران در سراوان سیستان بلوچستان (Sarhaddi, 2013, 1-8)، آق داش کندی در استان زنجان (عالی، ۱۳۹۲) پیر بره در استان فارس (Ghasimi et al, 2013-Ghasimi et al, 2016)، کوه دنبه اصفهان (Karimi, 2014, 118-134)، کنانی کوه‌دشت (میراسکندری و منصور، ۱۳۹۵) و اشکفت لاشکور گوییه (افشاری و دیگران، ۱۳۹۸) اشاره کرد.

محوطه اشکفت آهو یکی از شاخص‌ترین محوطه‌های فلات ایران با نقوش رنگی می‌باشد زیرا این نقوش از کیفیت و درون مایه هنری مطلوبی برخوردار هستند و این محوطه اولین بار در سال ۱۳۸۰ هجری شمسی توسط محمد بهارلو رسانه گردید (بهارلو، ۱۳۸۰). سال بعد خالد صادقی پایان‌نامه کارشناسی خود را به این محوطه اختصاص و این نقوش را به دوره پیش از تاریخ نسبت داده است (صادقی، ۱۳۸۱). آقای اسدی با استفاده از پایان‌نامه صادقی مقاله‌ای منتشر نمودند (اسدی، ۱۳۸۶). اخیراً نیز فریدون بیگلری بر روی این محوطه کار کرده است اما انتشار قابل توجهی ارائه نشده و تنها بر وجود مجموعه دست افزارهای دوره فراپارینه‌سنگی و نوسنگی اشاره کرده‌اند (بیگلری و دیگران، ۱۳۹۱) و متأسفانه هیچ گونه عکس‌برداری جدید و مستندنگاری کاملی از آن موجود نیست. نگارندگان در این پژوهش با هدف توصیف کامل نقوش، بررسی و تحلیل بافت سکونت و همچنین گاه‌نگاری نسبی از این محوطه، مقاله فوق را به رشته تحریر در آورده‌اند.



جغرافیا و اقلیم حوزه مورد مطالعه:

موقعیت بستک: شهر بستک در شهرستان بستک و استان هرمزگان واقع شده است. از آنجایی که شهرستان بستک توسط رشته‌هایی محصور شده و اطراف آن کاملاً بسته است، آن را «بستک» نام نهاده‌اند (وثوقی، ۱۳۹۹). شهر بستک نیز از چند جهت در ارتفاع کوه‌ها قرار گرفته است و مهم‌ترین کوه‌های پیرامونی شهر عبارتند از:

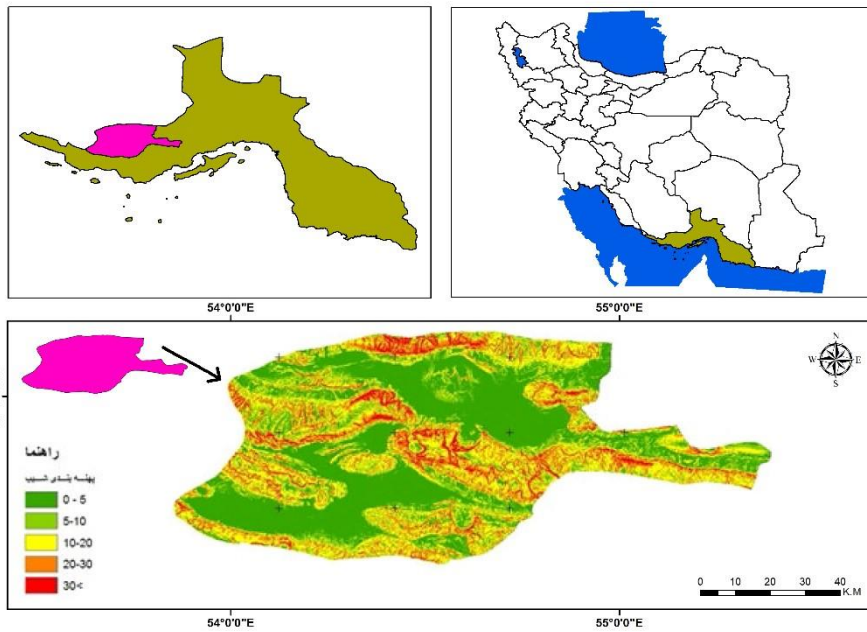
۱. کوه هرمزان به ارتفاع ۶۸۷ متر در ۲ کیلومتری شرق شهر بستک.
۲. کوه گچ به ارتفاع ۸۸۵ متر در ۲.۵ کیلومتری جنوب شهر بستک.
۳. کوه گاوبست به ارتفاع ۱۹۳۸ متر در ۵ کیلومتری شمال و شمال غرب شهر بستک (نیروهای مسلح، ۱۳۸۱: ۳۳ - عباسی، ۱۳۷۲: ۲۱).

ژئومورفولوژی: این منطقه بر مبنای ژئومورفولوژی متأثر از تحولات جغرافیایی دیرینه^۱ در منطقه جنوب و جنوب شرق ایران است. از یک سو فرآیندهای درونی موجب گردیده است تا ساختار کلی ژئومورفولوژی عمومی شهرستان شکل بگیرد و از طرفی عوامل تأثیرگذار بیرونی، ساختار را تغییر داده است که مهم‌ترین عامل آن کوهستان‌های قرارگرفته در اطراف دشت‌های پست می‌باشد. این ناهمواری‌ها در ادامه سلسله کوه‌های زاگرس شمال غربی و جنوب شرقی است. این کوهستان در آخرین مرحله کوه‌زایی یعنی پاسادین، شکل تکامل یافته خود را سپری کرده است و از عناصر سنگ آهک‌های آسماری، نمک‌ها و مارن‌ها از تشکیلات میشان و آغاچاری تکامل یافته است. درجه فرسایش پذیری این تشکیلات بسیار بالا بوده است (سازمان نیروهای مسلح، ۱۳۸۱: ۹-۸).

اقلیم: شهر بستک بر اساس روش دما‌رئین ضریب خشکی آن کوچکتر از ۱۰ است که به بیانی دیگر اقلیم آن خشک و به دلیل فاصله زیاد تا سواحل خلیج فارس در جنوب موجب گردیده از رطوبت کمتری برخوردار باشد. بر اساس دمای سالانه

باستان پژوه، دوره ۲۱، زمستان ۱۴۰۱/۵

در سال ۱۳۷۴ حداکثر دمای مطلق مربوط به خرداد ماه با ۴۶.۵ درجه سانتیگراد و در مقابل حداقل دمای مطلق مربوط به دی ماه با ۶.۷ درجه سانتیگراد گزارش شده است (سازمان نیروهای مسلح، ۱۳۸۱: ۳۳). بر اساس آمار و اطلاعات دمای منطقه فصل پاییز و زمستان محسوسی نداشته و تابستانی گرم و طولانی در ۸ ماه سال برقرار است. بر اساس آمار باران سنجی سال‌های ۷۲-۱۳۶۳ در می‌یابیم که متوسط بارندگی سالانه منطقه ۱۹۷.۴۵ میلی‌متر بوده و بیشترین آن متعلق به بهمن ماه با ۵۹.۱ میلی‌متر و بعد از آن در ماه‌های آذر و اسفند با ۴۳.۹۵ و ۲۹.۳ میلی‌متر مشخص می‌گردند. از نظر پراکنش بارندگی، بیش از ۵۵ درصد بارندگی‌های سالیانه در فصل زمستان، ۱۰ درصد در فصل بهار، ۲۳ درصد در فصل پاییز و مابقی در فصل تابستان رخ می‌دهد. به طور کلی آب و هوای منطقه به علت کمی بارندگی و بالا بودن دما، گرم و خشک ارزیابی می‌گردد. بارش‌های این منطقه اغلب به صورت رگبار نامنظم است و دوره‌های خشک بسیار طولانی است و از نظر تقسیمات آب و هوایی جزو آب و هوایی بیابانی محسوب می‌شود. از نظر تغییرات سالانه بارندگی قابل اطمینان نبوده و خطر خشک‌سالی‌های شدید و رگبارهای خسارت بار وجود دارد (سازمان نیروهای مسلح، ۱۳۸۱: ۳۳). قسمت اعظمی از روزهای سال گرمای هوا بیش از حد مطلوب و مورد نیاز یعنی ۲۵ درجه است، به طوری که حدود ۳۰۰ روز از روزهای سال از گرمای بیش از حد مطلوب برخوردار است (عباسی، ۱۳۷۲: ۲۰).



تصویر ۱: محل قرارگیری شهر بستک و نمایش شیب طبیعی آن (نگارندگان، ۱۳۹۹).

مناطق منطقه بستک تشکیل شده از بوته‌های مقاوم به خشکی و شوری و توأم با گیاهان یک ساله علوفه‌ای که در زمان ریزش‌های جوی شروع به رشد می‌کنند و در مدت کوتاهی به سرحد رشد خود می‌رسند. درختان و درختچه‌ها به صورت نسبتاً متراکم در ارتفاعات و در برخی موارد به صورت پراکنده دیده می‌شوند. گونه‌های درختی و درختچه‌ای: کهور، سمر، کنار، بنه، بادام کوهی، بید و سرو کوهی، کرت، گز، انجیر کوهی و سلم می‌باشند. گیاهان علفی: خسیل، علف کبک، هو، ترپ، شوک، بهمن، دیز، یاو، ویزو و شیدر وحشی است. گیاهان بوته‌ای: مورتلخ، مورخوش، کلپوره، خارستر، خرزهره، قیج، آنگوزه است (وثوقی، ۱۳۹۹).

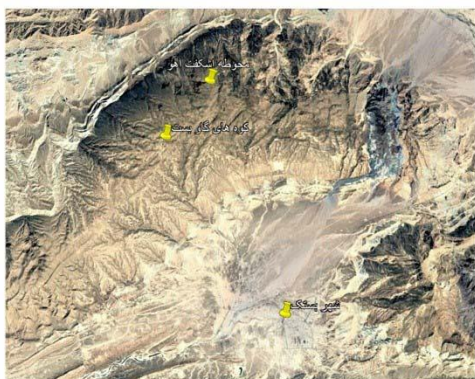
حیات وحش امروزه منطقه شامل انواع قوچ لارستانی، روباه قرمز و گربه وحشی است که در منطقه وسیعی از کوهستان‌های اطراف بستک به چشم می‌خورد. پلنگ، یوزپلنگ، خرس سیاه، بز کوهی، شغال، گرگ و گراز، نیز کبک، تیهو، گلنگ و پرندگان مهاجر فصلی در این ناحیه وجود دارند (وثوقی، ۱۳۹۹).

با بررسی‌های صورت گرفته بهترین محل برای سکونت در شهرستان بستک منطقه‌ای است که ارتفاعی کمتر از ۵۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد، شیب کمتر از ۵ درجه و دسترسی به راه‌های ارتباطی داشته باشد (رحیمی و حسن پور، ۱۳۹۰: ۱۲-۲۶). به عبارت دیگر بهترین پتانسیل برای سکونت در ارتفاع کمتر از ۵۰۰ متر و در شیب بسیار کم می‌باشد اما پناهگاه صخره‌ای اشکفت‌آهو نزدیک به ۲۰۰۰ متر ارتفاع داشته و در ارتفاعات کوه‌های گاوبست (مرتفع‌ترین کوه منطقه) و بسیار متفاوت با استانداردهای سکونتی قرار دارد. به نظر نگارندگان برای شناخت دلیل این امر نیاز است شناخت کاملی از اقلیم منطقه از گذشته تا زمان حال بررسی شود. با توجه به آزمایش‌های دیرین اقلیم‌شناسی انجام شده در استان فارس می‌توان دریافت نواحی این قسمت از زاگرس بعد از دوره هولوسن تاکنون دستخوش تغییرات اقلیمی نشده، ناحیه‌ای گرم خشک بوده و تنها کمی دما و رطوبت تغییر داشته است (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۲۲). تنها در ۳۳۰۰ یا ۳۲۰۰ ق.م با آزمایش‌های گرده‌شناسی صورت گرفته در استان فارس خشکسالی و تغییر نوع معیشت ساکنان را شاهد هستیم که برخی از جامعه کشاورز به جامعه دامپرور و کوچ‌نشین تغییر شغل داده‌اند (خانی پور و دیگران، ۱۳۹۸: ۶۹-۶۷).

محوطه اشکفت‌آهو:

اشکفت‌آهو در ارتفاع ۱۹۰۰ متری از کوه گاوبست قرار گرفته است. برای رسیدن به این اشکفت می‌توان هم از شیب تند کوه در یک خط راست به بالا صعود کرده و هم اینکه با حرکتی انحرافی ابتدا به سمت چپ و سپس در نیمه‌های راه به سمت راست و محل قرارگیری اشکفت حرکت کرد. ارتفاعات بالای کوه به ویژه دره‌های کوچکی که دارای حوزه آبخیز است، پوشش گیاهی نسبتاً انبوهی از درختچه‌ها و بوته‌های مختلف دارند. اشکفت آهو با موقعیت جغرافیایی ذکر شده، در میان یکی از این دره‌ها قرار گرفته است. ابعاد پناه‌گاه اشکفت آهو را می‌توان به ترتیب در حدود ۹ و ۲/۵ متر عرض و ارتفاع دهانه و نزدیک به ۳ متر عمق داخلی بیان کرد (تصویر ۲). محلی که نقوش ایجاد شده‌اند در زیر سقف پناه‌گاه قرار گرفته است. نقاشی‌ها با رنگی که جنس آن از آخرای قرمز مایل به قهوه‌ای است، تصویر شده‌اند (تصویر ۳). زمینه رنگی محل طرح نقش‌ها، سنگ آهکی است. سطحی که روی آن تصویرسازی شده دارای فرورفتگی‌های زیادی است که البته تصاویر فقط در سطوح صاف کشیده شده و درون فرورفتگی‌ها طرحی وجود ندارد (صادقی، ۱۳۸۱: ۴).





محل قرارگیری اشکفت آهو در گوگل ارت



نمای اقلیم، پوشش گیاهی و دهانه اشکفت آهو



دو تصویر از فضای داخل اشکفت آهو

تصویر ۲: نمای بیرونی محوطه اشکفت آهو (نگارندگان، ۱۳۹۹ و علی نیا، ۱۳۹۹).

توصیف نقوش اشکفت آهو

نقوش اشکفت آهو به رنگ قرمز اخرايي ترسیم شده است که با توجه به سبک خاص و منحصر به فردی که دارد مشابه آن تاکنون در هیچ کجای فلات ایران به دست نیامده است. این نقوش بسیار انتزاعی هستند اما خالق اثر به همه جزئیات توجه خاصی داشته برای مثال با ظرافتی خاص و دقیق جزئیات تزیینات دور سر، کمر و حتی دستان را ترسیم کرده است. در نگاه کلی تصویر چندین انسان شکارگر با ادوات ابتدایی شکار مانند تیروکمان ترسیم شده است که در حال شکار چندین حیوان گوناگون از نوع وحشی هستند. شاید این نقوش با اهدافی آیینی ترسیم شده باشند زیرا در میان این نقوش تصویر سه کف دست هم نمایان شده است که این رسمی متداول در هنر صخره‌ای سراسر جهان بوده (تصویر ۴) که به شیوه های مختلف ترسیم می‌شوند. در متداول‌ترین روش آن احتمالاً هنرمند از دست خود به عنوان شابلون کار استفاده کرده و ماده رنگی را پودر شده در دهان یا لوله نی قرار داده و از طریق دمیدن در نی بر روی اطراف انگشتان و دست خود، تصویر را خلق می‌کند. در مواردی ممکن است بعد از قرار دادن دست با یک تکه استخوان و یا نوک انگشت اطراف انگشت و دست خود را طراحی کرده باشد و یا در مواردی ممکن است هنرمند دست خود را آغشته به رنگ کرده، بر سطح سنگ یا بوم طراحی قرار داده و اثر دست خود را ثبت نموده باشد.





تصویر ۳: نمای کلی نقوش محوطه اشکفت آهو (نگارندگان، ۱۳۹۹).
برخی نقوش ریخته از طرح (صادقی، ۱۳۸۱) بازسازی گردیده است.

نقاشی طراحی از دست یکی از متداول‌ترین سبک‌های هنر صخره‌ای است که با توجه به وفور و تعدد دست‌های طراحی شده نشان می‌دهد زنان، کودکان و مردان این روش را با شیوه طراحی نسبتاً یکسان در سراسر جهان برای ثبت تصویر دست خود به کار برده‌اند اما به راستی معنی آن‌ها چیست؟ آیا می‌توان این تصاویر را امضای خود آگاه هنرمند در پای تصاویر ترسیم شده قلمداد کرد؟ آیا با طراحی و ترسیم دست سعی در تسخیر و غلبه بر روح موجودی قوی‌تر از نیروی انسانی خود داشته و به انجام آیین «مهر زنی»^۲ پرداخته است؟ با توجه به تعدد و فراوانی این هنر و پراکندگی آن در

باستان پژوهی، دوره ۲۱، زمستان ۹/۱۴۰۱

سراسر جهان در بازه‌های زمانی گوناگون، بدیهی است سنت ترسیم دست معانی مختلفی داشته و بر مبنای برداشتی کلی نشان از مفاهیمی آیینی در سراسر جهان دارد (Dobrez, 2014: 341-367).



تصویر ۴: نمونه‌ای از نقوش کف دست به دست آمده از نقاط مختلف جهان (نگارندگان و سایت برادشوا، ۱۳۹۹).

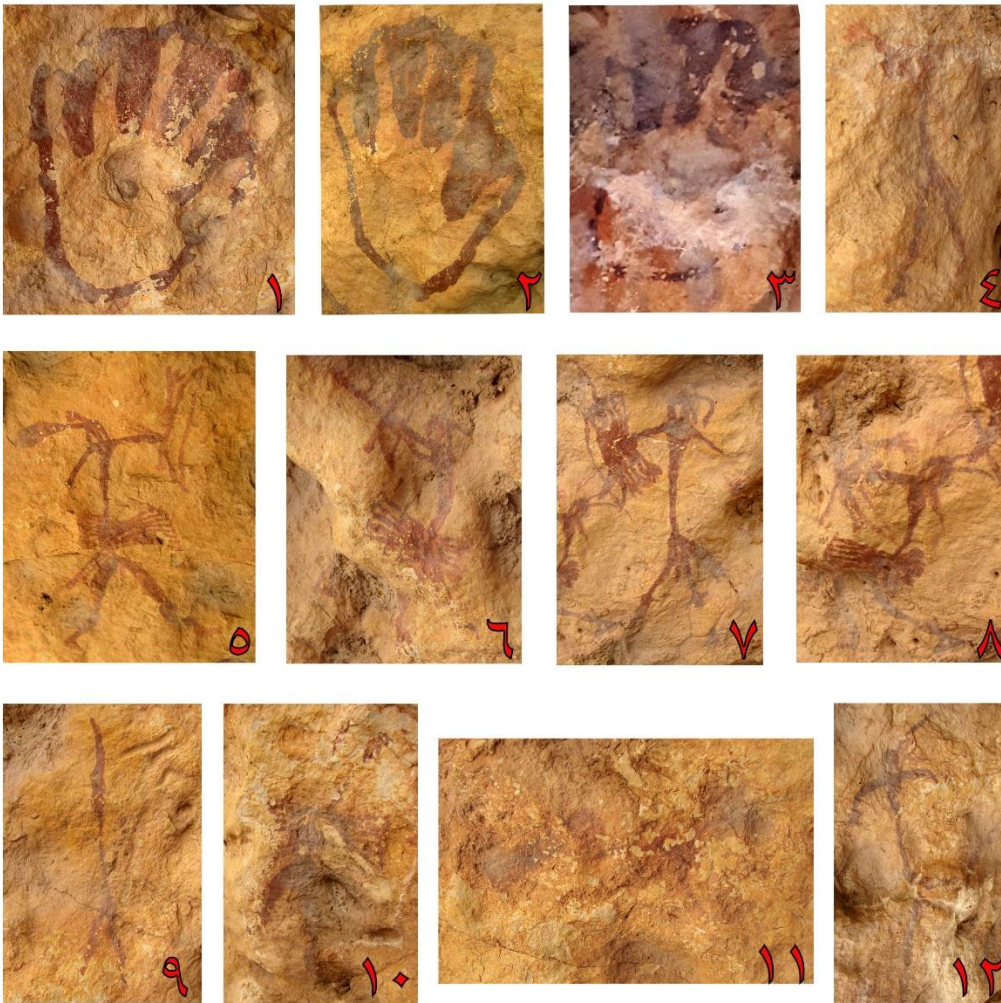
نقوش قابل رویت به شرح زیر می باشند (تصاویر ۵ و ۶):

۱. تصویر کف دست چپ با ابعاد ۱۵.۵ در ۱۷ سانتیمتر ارتفاع که در وسط آن نقطه‌ای رنگی تصویر شده است.
۲. تصویر کف دست چپ که دارای ابعاد ۱۳ در ۱۴ سانتیمتر ارتفاع می باشد.
۳. تصویر کف دست چپ با ابعاد ۱۵ در ۱۴ سانتیمتر ارتفاع که در وسط آن نقطه‌ای رنگی تصویر شده است.
۴. نقش انسانی به دلیل رسوب جزئیات آن چندان نمایان نیست اما با پوششی بر سر و کمر قابل تشخیص است. ابعاد آن دارای ۷ در ۱۳ سانتیمتر ارتفاع می باشد.
۵. نقش انسانی شکارگر با پوششی چهار تکه بر سر و تیرو کمانی در دست چپ همراه با تزئیناتی بر مچ. با توجه به فرم اندام، احتمالاً تیرو کمان در دست در حال تعقیب شکار بوده و شاید حیوان شماره ۱۵ را دنبال می کند. ابعاد آن ۸ در ۱۴ سانتیمتر ارتفاع ترسیم شده است.
۶. نقش انسانی شکارگر با کمانی در دست چپ و تیر در دست راست همراه با پوششی تزئینی بر سر و تیردانی بسته شده بر کمر که با تزئیناتی آویزان بر کمر همراه بوده و در حال دویدن به سمت شکار می باشد (شاید نقش ۱۴ یا ۱۵). این نقش در ۶ در ۱۰ سانتیمتر ارتفاع دارد.
۷. نقش انسانی شکارچی که کمان و تیردان در دست راست گرفته و همراه نقش شماره ۸ در حال تعقیب شکار نقش ۱۹ که یک گریه‌سان بزرگ جثه و احتمالاً وحشی است. این نقش تزئینات چهار تکه و آویزان بر کمر داشته و در ناحیه‌ای از ساق پا دارای برآمدگی است که احتمالاً نشانگر تزئینات و یا نوعی زره شکاری می باشد. فرم پاها سه گوش بوده و احتمالاً



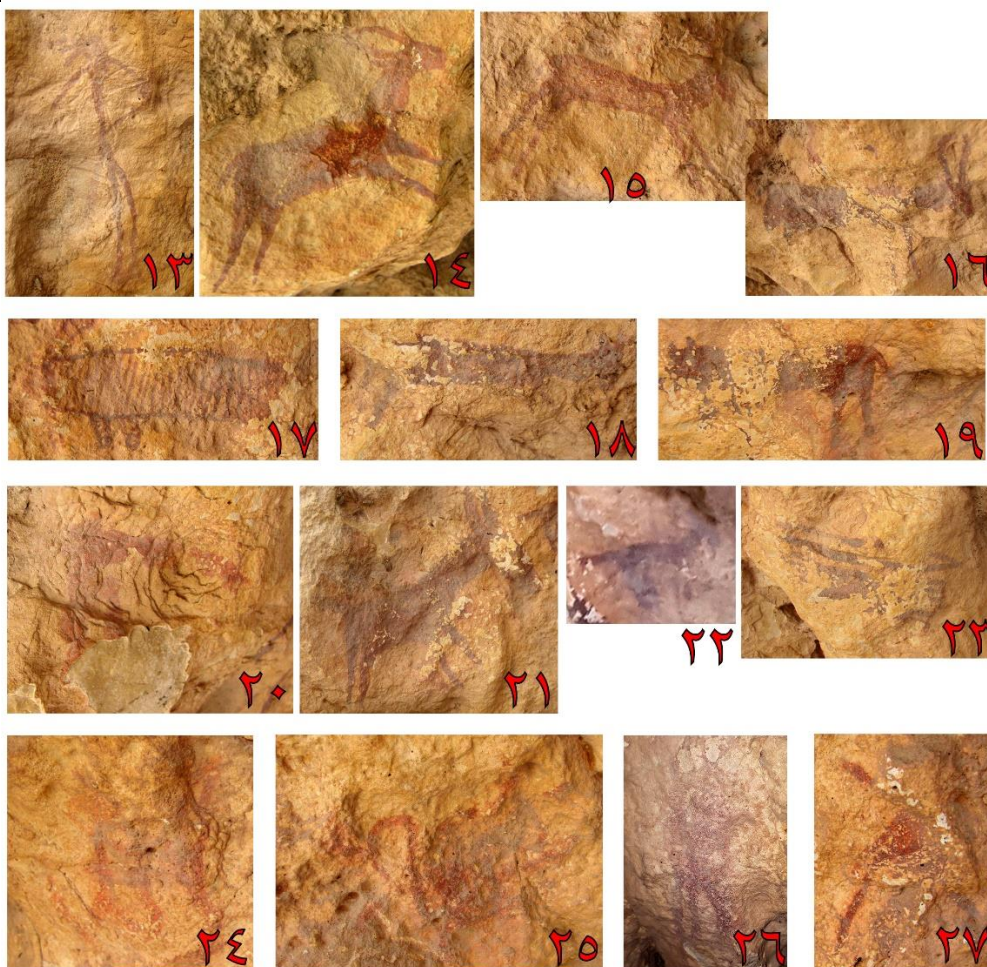
- شیء خاصی بر پای دارد. بر روی سر او پوششی ۳ تکه دیده می‌شود، شاید موهای بلندی که به چند دسته بافته شده است. ابعاد این نقش ۷ در ۱۴ سانتیمتر است.
۸. نقش انسانی شکارگر است که در جلوی نقش ۷ قرار گرفته با تیروکمانی در دست راست و پوششی بر سر و تیردان و تزئیناتی بر کمر، نقش حیوان شکاری ۱۹ را تعقیب می‌کند. این نقش انسانی شیء سه گوشه مزین شده با تزئینات همراه دارد. فرم فیگور اندام او نشان از قدم‌های آهسته به سمت شکار دارد. این نقش ۷ در ۱۲ سانتیمتر ارتفاع است.
۹. شاید نقش بسیار انتزاعی از فرمی انسانی که تنها دو پا و تنه آن نمایش داده شده است. نگاره ۲.۵ در ۷.۵ سانتیمتر ارتفاع است.
۱۰. نقش انسانی که به دلیل آسیب ناشی از ریزش و سستی سطح سنگ (بوم‌طراحی) جزئیات آن قابل تشخیص نبوده و تیردانی در کنار پاهای شکارچی دیده می‌شود. ابعاد آن ۷ در ۷ سانتیمتر است.
۱۱. تصویر تیروکمان و تیردانی را در ابعاد ۵ در ۷ سانتیمتر نمایش می‌دهد.
۱۲. نقش انسانی در حال دویدن شاید به سمت تیردان و تیروکمان که ابعاد آن ۵ در ۱۴ سانتیمتر است.
۱۳. نقش انسانی با شیء نامشخصی در دست و پوششی بسته شده بر سر و کمر. ابعاد آن ۶ در ۱۲ سانتیمتر است.
۱۴. نقش حیوانی شبیه به آهوی در حال فرار که ابعاد آن ۸ در ۷ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.
۱۵. نقش حیوانی شبیه به آهوی در حال گریز از شکارچی (نقش شماره ۵)، ابعاد نقش ۸ در ۷ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.
۱۶. تصویر حیوانی با شاخ‌های نسبتاً بلند در ابعاد ۱۰ در ۶.۵ سانتیمتر ارتفاع.
۱۷. نقش حیوانی ناشناخته با بدنی کشیده و شاید پوستی راه راه با پاهای کوتاه و گوش بلند، ابعاد آن ۶ در ۱۱ سانتیمتر ارتفاع است.
۱۸. نقش حیوانی چهارپا در حال دویدن، ابعاد آن ۶.۵ در ۴ سانتیمتر ارتفاع است.
۱۹. نقش جانوری گربه‌سان که دارای ابعاد ۱۵ در ۶.۵ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.
۲۰. نقش بخشی از لاشه حیوانی که تنها دم و پاهای او باقی مانده، ابعاد آن ۴ در ۳ سانتیمتر ارتفاع است.
۲۱. نقش الاغی وحشی در پشت نقش ۲۲ در حال فرار، ابعاد آن ۱۰ در ۱۳ سانتیمتر ارتفاع است.
۲۲. نقشی کره الاغی وحشی در جلوی نقش ۲۱ در حال فرار و در ابعاد ۶ در ۵ سانتیمتر ارتفاع.
۲۳. نقشی تیردانی که ابعاد آن ۶ در ۵ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.
۲۴. نقشی ناشناخته با ابعاد ۳.۵ در ۳ سانتیمتر ارتفاع است.
۲۵. نقشی ناشناخته که ابعاد آن ۶ در ۴ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.
۲۶. نقشی رسوب زده که احتمالاً تصویری انسانی بوده و ابعاد آن ۳ در ۷ سانتیمتر ارتفاع می‌باشد.
۲۷. نقشی ناشناخته با ابعاد ۴.۵ در ۶ سانتیمتر ارتفاع است.





تصویر ۵: نقوش محوطہ اشکفت آہوی بستک هرمزگان (نگارندگان، ۱۳۹۹).





تصویر ۶: نقوش محوطه اشکفت آهوی بستک هرمزگان (نگارندگان، ۱۳۹۹).



بررسی تحلیلی نقوش:

در زمینه سالیابی متأسفانه نمی‌توان نظری قطعی ارائه کرد زیرا در میان نقوش، ادوات یا تکنولوژی‌ای دیده نمی‌شود که بتوان آن را به دوره خاصی نسبت داد. تنها ادوات در دست، تیردان و کمان است که ابداع آن‌ها به دوران فراپارینه‌سنگی باز می‌گردد (شریف کمالی، ۱۳۹۶: ۱۸۰). بر روی بدن نقوش انسانی اشکفت آهو طرح‌هایی دیده می‌شود که احتمالاً پوشش یا زره شکارگری است که متأسفانه از آنجایی که نقوش بسیار انتزاعی هستند نمی‌توان نظری در مورد چگونگی جنس و کاربری این ادوات ارائه کرد. برای مثال در دستان شکارچی (نقش ۵) شی‌ای شبیه دستبند مچ دست او را پوشانده، پوشش سر در (نقوش ۴، ۵، ۶، ۷، ۸ و ۱۲) و تزئینات دور کمر در (نقوش ۵، ۶، ۷، ۸) دیده می‌شود و بر پای برخی نقوش مثلثی طراحی شده است که احتمالاً بر پوششی بر پای تأکید دارند شاید تنها تخته چوبی که با ریسمانی از الیاف گیاهی بر پا بسته شده باشد. با توجه به اینکه تاکنون چندین محوطه با نقوش رنگی در ایران شناسایی شده که هیچ کدام مشابه اشکفت آهو نیستند، به نظر نگارندگان نزدیک‌ترین محوطه از لحاظ تناسب موضوع و ظاهر نقوش و تنها نمونه‌های قابل قیاس و مناسب برای تاریخ‌گذاری نسبی را می‌توان در شباهت تیردان‌ها و تزئینات دور سر و کمر شکارچیان با نقاشی‌های دوره نوسنگی چاتال‌هویوک جستجو کرد. تپه یا موقعیت چاتال‌هویوک در دشت قونیه (کونیا) در مرکز ترکیه با اقلیمی در دشت و خاک حاصلخیز و کنار رودخانه چارشامباچای بر روی گوشه جنوبی از بستر آناتولی قرار گرفته است (فیروزمندی، ۱۳۹۳: ۶۰). نقاشی‌های دیواری چاتال‌هویوک بین دوره زمانی ۷۴۰۰ تا ۶۰۰۰ ق.م. ترسیم شده‌اند. تپه چاتال‌هویوک اولین

بار در سال های ۱۹۶۵-۱۹۶۱ میلادی توسط جیمز ملارد حفاری شد (Mellaart, 1967). نقاشی های دیواری چاتال-هویوک بخش تزئینی و لایه روی معماری داخل خانه ها است که عموماً با نقش برجسته ها، شاخ های حیوانی و نقاشی تزئین می کردند و نقاشی ها به رنگ قرمز گل اخرا و مواردی با رنگ سیاه و سفید ترسیم شده اند (فیروزمندی، ۱۳۹۳: ۶۹).

شباهت میان نقوش اشکفت آهو با چاتال هویوک: نقوش رنگی با تصاویر شکار در پناهگاه صخره ای اشکفت آهو در شهرستان بستک از استان هرمزگان با نقوش رنگی لایه سه چاتال هویوک مشابهت دارد. نقوش اشکفت آهو تصاویر انتزاعی از انسان هایی ابتدایی در حال شکار حیوانات را به نمایش می گذارد. از لحاظ ظاهر و حتی تکنیک ترسیم (برخی قسمت های بدن انسانی نیم رخ و برخی دیگر سه رخ ترسیم شده اند)، استفاده از رنگ قالب قرمز (باتوجه به در دسترس بودن دیگر رنگ ها) بیشترین رنگ به کار رفته قرمز گل اخرا می باشد. ترسیم ابزار و پوشش شکارچیان دارای بیشترین شباهت بوده (تصویر ۷: شماره ۳ و ۴). ترسیم کف دست های رنگی با رنگ قرمز با ظاهری نسبتاً یکسان از دیگر تشابهات در هر دو محوطه می باشد (تصویر ۷: شماره ۱ و ۲) مفاهیم کلی شکار میان مردمان هر دو جوامع یکسان بوده (تصویر ۷: شماره ۷ و ۸) و با توجه به شباهت های ظاهری یکسان میان نقوش اشکفت آهو و محوطه چاتال هویوک می توان تصور کرد که الگوی مردمان خالق نقوش اشکفت آهو در معیشت و شیوه زندگی ابتدایی، مشابه مردمان چاتال هویوک بوده است. در مورد بازه زمانی ترسیم این تصاویر نمی توان نظری قطعی عنوان کرده و نیاز به روش آزمایشگاهی اورانیوم سریع می باشد. شاید مردمان ساکن در اشکفت آهو در برهه ای از دوران تاریخی به دلیل برخی محدودیت های معیشتی زندگی نسبتاً ابتدایی برای خود برگزیده بودند اما در زمینه اصالت تاریخی نقوش به عقیده نگارندگان هیچ شکی در پیشینه تاریخی آن وجود ندارد و پیشینه این سبک از طراحی و ادوات در دوران گذشته (چاتال هویوک) به کرات مشاهده شده است.



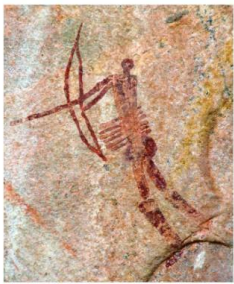
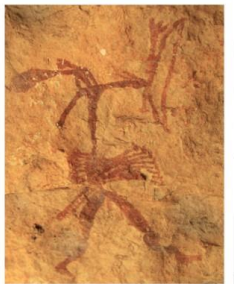


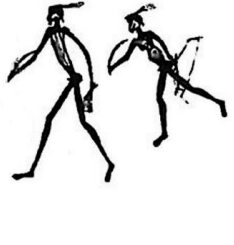
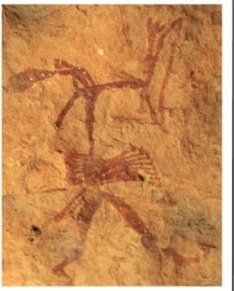
نقوش چاتال هویوک	نقوش اشکفت آهو
تصویر کف دست	تصویر کف دست
	
پوشش سر و کمر شکارچیان	پوشش سر و کمر شکارچیان
	
شکارچی به دنبال شکار	شکارچی به دنبال شکار
	
نمای کلی و موضوع کلی نقوش	نمای کلی و موضوع کلی نقوش
	

تصویر ۷: نقوش به دست آمده با تصاویر شکار از چاتال هویوک (شماره ۱، ۳، ۵ و ۷) و مقایسه آن با نقوش رنگی در اشکفت آهو (شماره ۲، ۴، ۶ و ۸) (نگارندگان: ۱۳۹۹؛ تلفیقی از Mellaart, 1967– Hodder, 2011).

مشابه تیروکمان و تیردان‌های ترسیم شده در اشکفت آهو میان جوامع ابتدایی آفریقای جنوبی نیز یافت شده (تصویر ۸) که نمی‌توان دلیل این شباهت‌ها را با ارتباط فرهنگی پاسخ داد بلکه جواب آن به کهن‌الگوهای انسان ابتدایی باز می‌گردد (برای اطلاعات بیشتر کهن‌الگوها بنگرید به (Golbu and Afshari, 2019) که ریشه در محیط سکونت‌ی نسبتاً یکسان و پیروی از یک الگوی معیشتی داشته است.



باستان پژوهی، دوره ۲۱، زمستان ۱۵/۱۴۰۱

شکارچی، استان لیمپوپو، آفریقای جنوبی	شکارچی اشکفت آهو
	
نمونه تیردان	نمونه تیردان
	
	

تصویر ۸: مقایسه نوع پوشش و ابزار شکار میان نقوش اشکفت آهو با نقوش رنگی یافت شده در کشور آفریقای جنوبی (نگارندگان، ۱۳۹۹- Eastwood et al, 2010).

بررسی رابطه اقلیم و سکونت در محوطه اشکفت آهو:

با توجه به توضیحات ارائه شده در مورد شهر بستک اقدامات دیرین اقلیم‌شناسی صورت نگرفته است اما به واسطه دیرین اقلیم‌شناسی فارس درمی‌یابیم از روزگار هولوسن تاکنون تغییر اقلیمی خاصی در منطقه روی نداده است (عزیزی و دیگران، ۱۳۹۶: ۲۲۲) با توجه به اقلیم بهترین زیستگاه برای سکونت در شهر بستک در ارتفاع ۵۰۰ متر از سطح آب‌های آزاد است که شیب آن کمتر از ۵ درجه و در کنار راه‌های ارتباطی باشد (رحیمی و حسن پور، ۱۳۹۰: ۲۶-۱۲) اما محوطه اشکفت آهو با ارتفاع نزدیک به ۲۰۰۰ متر در کوه‌های گاو بست قرار دارد و سکونت در دشت بستک که امروزه شهر بستک در آن جای گرفته است با توجه به ضریب خشکی به روش دمارتین جزو نواحی گرم و خشک طبقه بندی می‌شود. در این ناحیه ۸ ماه از سال، تابستان است و اوج گرما به نزدیک ۴۷ درجه سانتیگراد و با توجه به دوری از دریا فاقد رطوبت است (سازمان نیروهای مسلح، ۱۳۸۱: ۳۳). مجموع این عوامل باعث شکل‌گیری پوشش گیاهی متناسب با منطقه گرم و خشک شده است. از ویژگی‌های اقلیمی منطقه این است که در مواردی استثنا به دلیل وجود ارتفاع، دما کاهش و بارندگی افزایش یافته و به طبع آن پوشش گیاهی بیشتری رویداده می‌شود که باعث شکل‌گیری فراوانی مراتعی بیشتر و بهتر برای حیوانات وحشی و علف خوار در ارتفاع مورد نظر شده است. این تغییرات احتمالاً در گذشته عامل مهمی برای کوچ حیوانات علف خوار به این منطقه بوده و دور از تصور نیست که پنداریم انسان شکارگر منطقه بستک در اعصار گذشته به امید یافتن شکار، چندین کیلومتر شیب تند کوه را زیر پا گذاشته است.

نتیجه گیری:



بررسی علمی و دقیق بر روی یافته‌های هنر صخره‌ای اطلاعات بسیار ارزشمندی از وضع زندگی مردمان گذشته ارائه می‌دهد که متأسفانه در منابع مکتوب تاریخی اطلاعاتی از این دست وجود نداشته و جایگاه آن‌ها را تنها می‌توان در تاریخ شفاهی و برخی داده‌های هنری و باستان‌شناسی جستجو کرد. یکی از محوطه‌های مهمی که اطلاعات باارزشی از گذشته به ما ارائه می‌دهد نقوش رنگی اشکفت آهو است. این محوطه در بلندی کوه‌های گاوبست در شهرستان بستک از توابع استان هرمزگان ایران قرار گرفته که حاوی تصاویری از صحنه شکار حیوانات توسط انسان‌های احتمالاً شکارگر با ادواتی ابتدایی است. این نقوش به رنگ قرمز اخزایی، بر روی سقف این پناهگاه صخره‌ای و در محلی که در شرایط اقلیمی نسبتاً نامساعدی برای سکونت قرار دارد، ترسیم شده‌اند. برای دسترسی به این محوطه باید ساعت‌ها در شیب تند دامنه کوه گاوبست به سمت بالا پیمایش کرد. در این پژوهش نگارندگان با در نظر داشتن شرایط اقلیمی، آب و هوا، ژئومورفولوژی و پوشش گیاهی چنین احتمال می‌دهند که با افزایش ارتفاع در مناطق گرم و خشک، دما کاهش یافته و به طبع آن پوشش گیاهی پربارتری نسبت به مناطق پست یافت می‌شود که این پدیده خود باعث و عامل حرکت و کوچ هرساله حیوانات گیاهخوار به مناطق مرتفع این منطقه برای یافتن علوفه بهتر بوده است. با وجود چنین زنجیره اقلیمی، از نظر نگارندگان بدیهی است که انسان شکارگر که تنها راه امرار معاش خود را از راه شکار سپری می‌کرده با اشراف به وجود چراگاه‌های غنی‌تر در نواحی مرتفع و به طمع یافتن طعمه در این ارتفاع از سطح دشت به این منطقه جذب شده باشد. این سبک از زندگی مردمان پیشین منطقه شباهت بسیاری با نقاشی‌های ترسیم شده در پناهگاه اشکفت آهو داشته و برای بررسی اصالت این نقوش چه در زمینه تکنولوژی ادوات شکار مانند فرم ظاهری تیردان و کمان‌ها و چه درون مایه مضمون شکار، می‌توان این تصاویر را با نقاشی‌های دوره نوسنگی چاتال‌هویوک مقایسه کرد. بررسی شباهت‌ها و یافته‌های ارتباطی دو سویه از لحاظ فرهنگی میان این دو محوطه نیست اما این باور را تقویت می‌کند که انسان‌های ابتدایی با توجه به امکانات محیطی برای گذران زندگی خود از کهن‌الگوهای نسبتاً مشابه سود برده‌اند. در زمینه گاهنگاری دقیق با وجود بررسی باستان‌شناسی و کشف مجموعه دست افزارهای فراپارینه سنگی و نوسنگی در اطراف محوطه تا زمانی که سالیابی آزمایشگاهی به روش اورانیوم سری صورت نگیرد نمی‌توان نقوش را به بازه زمانی خاصی نسبت داد. شاید این جوامع شکارگر با ادوات ابتدایی تیروکمان از دوره فراپارینه‌سنگی تا دوران تاریخی در این مناطق حضور داشته و به شکار حیوانات پرداخته و یا شاید تنها در بازه زمانی خاصی از این دوران در این منطقه سکنی گزیده‌اند که از آن بی‌اطلاع هستیم.



سپاسگزاری:

سپاس بیکران از آقای نوروزی معاونت میراث فرهنگی، صنایع دستی و گردشگری استان هرمزگان و آقای مجید طوافی و محمد علی‌نیا که برای دستیابی به داده‌های این پژوهش نهایت همکاری و مساعدت را داشته‌اند.

پی‌نوشت:

- ۱- Paleogeography
۲- Sealing ritual

کتابنامه:

- افشاری، حسن (۱۳۹۰)، هنر نقاشی ایران (از آغاز تا اسلام)، تهران: نشر پازینه.
- افشاری، حسن (۱۳۹۴)، رنگین نگاره‌های ایرانی، پایان‌نامه کارشناسی، دانشگاه آزاد ورامین-پیشوا، استاد راهنما: تیمور اکبری.
- افشاری، حسن و طاهرآبادی، مریم (۱۳۹۸)، بازنگری نقوش چشمه‌سهراب کرمانشاه، نشریه باستان‌کاوی: انجمن علمی دانشگاه شهید بهشتی، سال دوم، شماره ۲، پاییز و زمستان، صص: ۲۷-۱۲.
- افشاری، حسن (۱۳۹۸)، بررسی نقوش رنگی چوارتا غرب در هومیان کوه‌دشت، نشریه کهن بوم، دو فصلنامه تخصصی انجمن علمی باستان‌شناسی، شماره ۲، سال دوم، بهار و تابستان، دانشگاه مازندران، صص: ۲۷-۲۰.

باستان پژوهی، دوره ۲۱، زمستان ۱۷/۱۴۰۱

- افشاری، حسن و باشتنی، مرضیه (۱۳۹۹)، نقوش رنگی تازه کشف شده هومیان، نشریه باستان پژوهی، انجمن علمی باستان شناسی دانشگاه تهران، سال ۱۳۹۹ سال نوزدهم و بیستم، سری جدید، شماره ۶ و ۷، پیاپی ۲۴ و ۲، صص: ۱۲۰-۱۰۲.
- افشاری، حسن، فروزان، فریدا (۱۴۰۰)، بررسی زندگی اجتماعی عشایر عصر آهن در دره هومیان با تکیه بر مطالعه نقوش سنگ مهرداد، نشریه رهپویه هنر، هنرهای تجسمی، دوره چهارم تابستان، شماره ۲ (پیاپی ۱۱).
- افشاری، حسن، صدرجمالی، شبنم (۱۳۹۹)، معرفی رنگین‌نگاره‌های صخره‌ای خراسان شمالی در شمال شرق ایران، نشریه باستان شناسی ایران، دانشگاه شوشتر، دوره ۱۰، شماره ۲.
- اسدی، علی (۱۳۸۶)، اشکفت‌آهو؛ پناهگاه صخره‌ای در بستک (هرمزگان). نشریه باستان پژوهی، دوره جدید، سال دوم، شماره ۳، بهار و تابستان ۱۳۸۶، صص: ۶۵-۷۰.
- الغازه گیلرمو (۱۳۹۷)، میان‌رودان باستان در سپیده دم تمدن (تحول در چشم انداز شکل‌گیری شهر)، ترجمه: عطایی آشتیانی، زهره، تهران: نشریه پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۴۸ الف)، نقاشی‌های پیش‌ازتاریخ در غارهای لرستان، مجله باستان‌شناسی و هنر، شماره ۳، صص: ۶-۱۱.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۴۸ ب)، نقاشی‌های غار دوشه در لرستان، مجله باستان‌شناسی و هنر، شماره ۴، صص: ۵۷-۵۳.
- ایزدپناه، حمید (۱۳۵۰)، آثار باستانی لرستان، جلد اول، انتشارات انجمن آثار ملی.
- بورنی، مک (۱۳۴۸)، گزارش مقدماتی بررسی و حفاری غارهای منطقه کوه‌دشت، ترجمه ذبیح‌الله رحمتیان، مجله باستان‌شناسی و هنر ایران، شماره ۳، صص: ۱۶-۱۴.
- بهارلو، م (۱۳۸۰)، نقوش تاریخی در پناهگاه اشکفت آهویی، مجله شکار و طبیعت، شماره ۶۷.
- بیگلری، فریدون، قسیم، طاهر، دشتی زاده، عبدالرضا، کاملی، حامد، نوروزی، عباس، صادقی، خالد، امینا، عادل، کریمیان، عبدالقادر، (۱۳۹۰)، بررسی مقدماتی نقوش صخره‌ای اشکفت آهویی و محوطه‌های کوه گاوبست، چکیده مقاله‌های یازدهمین گردهمایی سالانه باستان شناسی ایران، تهران: پژوهشگاه میراث فرهنگی و گردشگری، صص: ۹۹-۹۸.
- خانی پور، مرتضی؛ میرقادری، محمد امین؛ نیکزاد، میثم؛ عمادی، حبیب و طهماسبی، ملیحه (۱۳۹۶)، استقرارها و نوسانات جمعیتی حوضه رودخانه بوانات در دوران پیش از تاریخ، مطالعات باستان‌شناسی، دوره یازدهم، شماره ۱، بهار و تابستان ۱۳۹۸، صص: ۷۶-۵۵.
- رحیمی، منیره؛ حسن پور، خدیجه (۱۳۹۰)، مکان یابی روستای جدید در شهرستان بستک با ملاحظات پدافند غیر عامل در محیط، پژوهش نامه فرهنگی هرمزگان، شماره ۱-۲، پاییز و زمستان ۱۳۹۰، صص: ۲۶-۱۲.
- صادقی، خالد (۱۳۸۱)، بررسی فن‌شناسی، آسیب‌شناسی و ارائه طرح حفاظتی نقاشی‌های پیش از تاریخ اشکفت‌آهویی بستک، پایان‌نامه کارشناسی، گروه مرمت آثار، دانشگاه هنر اصفهان.
- عالی، ابوالفضل (۱۳۹۲)، هنر صخره‌ای در زنجان: بررسی نقاشی‌های صخره‌ای آق داش ماه نشان، پیام باستان‌شناس، سال دهم، شماره نوزدهم، بهار و تابستان، صص: ۱۴۲-۱۳۳.
- فیروزمندی شیره جینی، بهمن (۱۳۹۳)، باستان‌شناسی و هنر آسیای صغیر، تهران: نشر سمت.
- قسیم، طاهر؛ برفی، سیروس و نوروزی، رضا (۱۳۸۸)، بررسی نقاشی‌های صخره‌ای پناه‌گاه صخره‌ای آبدوزو، فیروز آباد فارس، نشریه باستان‌شناسی ایران، سال اول پاییز و زمستان، شماره ۱، صص: ۱۱-۱.
- عباسی، مصطفی قلی (۱۳۷۲)، بستک و جهانگیریه، به کوشش احمد اقتداری، تهران: انتشارات جهان معاصر.
- عزیزی، قاسم؛ ملکی، سحر؛ کریمی، مصطفی؛ شهبازی، رضا و رستمی، هما (۱۳۹۶)، تغییرات اقلیم و پوشش گیاهی هولوسن در ایران، فصلنامه کواترنری ایران، دوره ۳، شماره ۳، پاییز ۱۳۹۶، صص: ۲۲۹-۲۰۵.



- مکی، محسن (۱۳۹۶)، ایران: سرزمینی مرتفع در کنار خلیج فارس، فرهنگ های کهن بین آب و بیابان ایران، به کوشش: هلوینگ، باربارا، ترجمه بحرالعلومی شاپورآبادی، فرانک، تهران: انتشارات موزه ملی، صص: ۳۳-۲۶.
- میر اسکندری، سید محمود و منصوری، امیر (۱۳۹۵)، نقاشی‌های نو یافته پناهگاه صخره‌ای مادیان کوه کورونی، نشریه اثر، شماره ۷۲، بهار، صص: ۱۱۹-۱۰۹.
- نیروهای مصلح کشور (۱۳۸۱)، فرهنگ جغرافیایی آبادی‌های استان هرمزگان، شهرستان بستک، تهران، نشر سازمان نیروهای مسلح.
- وثوقی، محمد باقر (۱۳۹۹)، بستک، دایره‌المعارف بزرگ اسلامی، جلد دوازده، تهران: نشر مرکز دایره‌المعارف بزرگ اسلامی.

- Fazel, L and Alibaigi, Sajad (2012), Discovery of cave art in the province of Fars, Southern Iran. *Rock Art Research*, 29(2), PP: 187-190.
- Ghasimi, T; Barfi, Sirus and Nouruzi, Reza (2010), New Found Pitograms from Abdozou Rock Shelter, Firouz Abad, Southern Zagros. *Iranian Archaeology*, 1(1), PP: 17-26.
- Ghasimi, Taher and Ghasemi, Parsa (2013), The discovery of new pictographs at the Pir-Bareh cave and rock shelter sites, Fars, southern Zagros, Iran, Valcamonica Symposium.
- Ghasimi, Taher and Ghasemi, Parsa (2016), Recent Rock Art Finds from North of Kavar in Fars, Iran. *international Journal of Archaeology*. 2016: 4, Pp: 8-21.
- Goff, Cl (1970), Neglected aspects of Luristan art, Persica, Jaarboek van het Genootschap Nederland-Iran stichting voor culturele betrekkingen 5, Pp: 27-37.
- Goff, Cl (1971), Luristan before the Iron Age, *Journal of the British Institute of Persian Studies* 9, Pp: 131-152.
- Golbu, Nasrin and Arshari, Hassan (2019), Architectural Review cognitive some societies during the Neolithic in the Middle East, in: The 3rd International Conference on Architecture, Arts and Applications, Bharath University, Chennai, India .
- Hodder, Ian (2011), CatalHoyuk Archive Report, Çatalhöyük Research Project.
- Azandaryani, Esmail H; Qolami, Hossein; MohammadiFar, Yaghob and Razmposh, Abass (2015), Discovering New Rock Paintings at Shmsali and Gorgali Rock Shelters in Kohgiluyeh and Bouyer Ahmad Province, Southern Iran, *Arts* 4, no. 2, Pp: 61-67.
- Karimi, Ebrahim (2014), The Rock Paintings of Kuh-e-Donbeh in Esfahan, Central Iran, *Arts*, 3
- Mellaart, James (1967), Catalhoyuk A Neolithic Town in Anatolia; London.
- Otte.M., Adeli. J, Remacle. L (2003), Art rupestre de l'ouest iranien/West Iranian Rock Art, *INORA (International Newsletter on Rock Art)* 37, Pp: 8-12
- Remacle, L; Adeli.J and Otte, M (2007), New field research on houmian rock-art, Lorestan -Province, Iran, *Bastanpazhuhi*, vol. II, No.3, Pp: 9-17
- Sarhaddi, Fereshteh (2013), Pictograph and Petroglyphs of Saravan (Sistan-Baluchistan. Iran), *Ancient Asia*, 4: 3, Pp: 1-8
- Vahdati Nasab, H; Rezaei, M. H and Naderi, R (2008), Helak, A Palaeolithic cave complex featuring rock art along the northern shore of Parishan Lake, Fars province, Iran. *Name-ye Pazhuheshgah, Journal of the Research Institute of I.C.H.T.O*, 22/23, Pp: 91-96.

